

فلسفه دوران

مباحثی که پیرامون قهر و وفاق صورت گرفت، نشان داد که در ایتالیا علوم سیاسی نسبتاً پیشرفته و زبان آن، حتی در میان مسؤولان امور دولتی، از صراحت خاصی برخوردار است. مسأله مورد بررسی ما همان بحث پیرامون «فلسفه دوران» و یا به عبارت دیگر، درونمایه محوری حیات بسیاری از دولتهای بعد از جنگ است. چگونه باید دستگاه هژمونی هیئت حاکم را، که در نتیجه جنگ، در تمام کشورها از هم گسیخته بود، احیا (۱) کرد؟ به علاوه، اصولاً چرا این دستگاه از هم گسیخت؟ آیا این گسیخته گی معلول تکوین اراده سیاسی واحدی بود {که نسبت به نظام سرمایه داری برخورداری} خصمانه داشت؟ اگر واقعاً چنین بود، پس بحث قطعاً باید به نفع این {نیروی} متخاصم حل و فصل میشد. ولی در واقعیت، این دستگاه تحت فشار عوامل صرفاً مکانیکی گوناگون گسیخت. این عوامل عبارت بودند از:

(۱) توده وسیعی از مردم، که قبلاً از لحاظ سیاسی منفعل بودند، به صحنه سیاست گام نهادند. این توده ها معمولاً از طریق جنبشهایی سازمان نیافته و نا به سامان و بی رهبر وارد صحنه شدند و فاقد اراده سیاسی مشترک و دقیقی بودند.

(۲) طبقات متوسطی که در دوران جنگ مقامهای مسؤول و رهبری را در دست داشتند و به این اعتبار نحوه فرماندهی را آموخته بودند، با برقراری صلح از مقامهای خود محروم شدند و به خیل بیکاران پیوستند.

(۳) نیروهای متخاصم نتوانستند اوضاع نا به سامان را به نفع خود سامان بخشند. موضوع، بازسازی یک دستگاه هژمونیک برای عناصری بود که قبلاً سیاست گریز و منفعل به شمار میرفتند. دستیابی به چنین دستگاهی بدون توسل به قهر- قهری که

لاجرم نمیتوانست «قانونی» باشد- میسر نمی نمود. ولی به اعتبار تفاوت‌های موجود در بافت روابط اجتماعی در کشورهای مختلف، شیوه‌های سیاسی کاربرد این قهر و نیز چگونگی تلفیق قدرت قانونی و غیرقانونی متفاوت از آب درآمد. اصولاً {در چنین مواردی}، هرچه تعداد توده‌های سیاست‌گریزی که تازه وارد صحنه سیاست شده‌اند بیشتر باشد، نقش قدرت غیرقانونی نیز فزونی خواهد گرفت.

در مقابل، هرچه قدرت نیروهای تعلیم‌دیده و از لحاظ سیاسی سازمانیافته، بیشتر باشد، ضرورت «پرده‌پوشی» برای یک دولت قانونی نیز زیادتر خواهد شد.

یادداشت:

۱- دستگاه هژمونی و نقش دولت در آن از مسایلیست که مخصوصاً در سالهای اخیر توجه مارکسیست‌ها را به خود جلب کرده و این متفکران اهمیت ویژه‌یی برای نقش دولت در سرکوب و بازتولید ایدیالوژیک، در کنار سرکوب و بازتولید سیاسی و اقتصادی قایل‌اند. نظرهای گرامشی، به ویژه آنچه در نوشته آمده، در این رابطه بسیار ارزنده است. برای بحث پیرامون این جنبه از کارکرد دولت، رجوع کنید:

آلتوسر. «ایدیالوژی و دستگاه ایدیالوژیک دولت» ترجمه‌ء ا. فرخ، س. امید.

اندیشه، شماره‌ء یک، ص. ۸-۲۹؛ اندیشه، شماره‌ء ۲، ص. ۳-۲۴.

پایان بحث پنجم

www.ayenda.org